

تأملی در مسکن اشکورِ بالا

کاظم سادات اشکوری

پژوهشگر سابق مرکز مردم‌شناسی ایران

چکیده

این مقاله پژوهشی است در مسکن اشکورِ بالا یا اشکور تنکابن که دهستانی است کوهستانی از بخش حومه شهرستان رامسر، استان مازندران. آنچه در این مقاله حائز اهمیت است، عبارت است از: (۱) خانه فقیر و غنی تنها از جهت تعداد اتاقها از هم متمایز می‌شوند نه از جهت نمای ظاهر یا نوع مصالح؛ (۲) خانه مکانی است برای تبادل نظر و آرا در شبهای فراغت، و محلی برای انتقال تجربه‌ها و رفع اختلافها؛ (۳) خانه و معیشت چنان با هم درآمیخته‌اند که نشانه‌های معیشت را در هر گوشه خانه می‌توان یافت؛ (۴) همیاری و تعاون که از ویژگیهای بسیاری از جوامع روستایی است، در کار خانه‌سازی نیز، هنگامی که نیاز به کار جمعی هست، رخ می‌نماید؛ (۵) نظافت و رعایت بهداشت نه تنها در اتاقها و ایوانها بلکه در بخشی از کوچه نیز، که در حریم خانه قرار داشته باشد، از یاد نمی‌رود؛ (۶) خانوار، با تغییر فصل، از اتاقی به اتاق دیگر نقل مکان می‌کند و (۷) از تمام محدوده خانه حتی از بامها و دیوارها استفاده می‌شود و فضای زائد یا تزئینی در مسکن دیده نمی‌شود.

واژگان کلیدی: مسکن، مصالح، اصطلاحهای معماری، نقش دیوارها و بامها، چشم‌انداز روستاها.

مقدمه

مسکن روستایی مجموعه‌ای است هماهنگ که با مسکن شهری مشابهتی ندارد و حتی گاهی متمایز است. مهمترین وجوه تمایز مسکن روستایی با مسکن شهری: (۱) نوع معیشت؛ (۲) گوناگونی مصالح؛ و (۳) پیروی از شیوه سنتی و اجدادی است. نوع معیشت که در روستاها اغلب کشاورزی یا دامداری است در شکل مسکن و تقسیم اتاقها و نیز در فضای سکونت انسان و دام تأثیر می‌گذارد؛ و نیز نوع مصالح که در روستاها اغلب مصالح موجود در طبیعت است. خانه‌سازی هم - معمولاً - به عهده بنایی است که به شیوه پیشینیان خانه می‌سازد و کمتر در نحوه سنتی خانه‌سازی دخل و تصرف می‌کند و یا به تقلید از مسکن شهری رو می‌آورد. این موارد را باید یک اصل کلی تلقی کرد، چراکه به هر حال استثنا هم وجود دارد.

وجوه تمایزی که اشاره کردیم به قدری مهم است که حتی از شکل ظاهری خانه‌ها هم می‌توان به نوع معیشت ساکنان یک روستا پی برد. برای مثال، «... در روستاهای شمال ایران، از جهت شکل ظاهری، سه نوع مسکن به چشم می‌خورد: الف) مسکن جلگه‌ای با سقف شیب‌دار و پوشش "گالی" (گیاهی که در استخرها و آبگیرها می‌روید) و "کلش یا کولوش" kolaš یا kološ (ساقه‌های برنج)، "لت" lat (تخته‌های کوچک)، "سفال" و "شیروانی"؛ ب) مسکن جنگلی با سقف شیب‌دار و پوشش "لت"، "سفال" و به ندرت "گالی" و "شیروانی" و پ) مسکن کوهی و مساکن دامنه جنوبی البرز با بام تخت و پوشش خاک و گل.

در جاهایی که معیشت برکشت برنج مبتنی است، پوشش "کلش" رواج بیشتری دارد و در جاهایی که روستاها در دل جنگل قرار گرفته‌اند، پوشش "لت". پوشش "لت" از روستاهای جنگلی به طرف جلگه آمده و پوشش "کلش" همراه تغییر معیشت در روستاهای جنگلی رواج یافته است...» (سادات اشکوری ۱۳۷۲، ص ۷).

گذری از گذشته به حال

درباره نخستین خانه‌ها و پناهگاههای انسانی نوشته‌های بسیاری هست و اظهارنظرهای گوناگونی. با اینکه برخی دانشمندان پیدایش کشاورزی را دلیلی بر اسکان انسانها می‌دانند، اما گروهی نیز با این نظر موافق نیستند. برای مثال، گوردون چایلد بر این عقیده است که: «پیدایش

روش کشاورزی را نباید با سکنی گزیدن انسانها در یک جا اشتباه کرد...» (چایلد ۱۳۵۲، ص ۹۸) و برای اثبات نظرش دلیل می آورد که شکارگران و ماهیگیران هم در زمانهای دور خانه‌های چوبی معتبر و آراسته‌ای بنا می کردند و

آنچه مسلم است این است که شکارگران و ماهیگیران چه بسا برای صید یا به دنبال صید خانه را وا می نهادند و به نقطه‌ای دیگر می رفتند، اما کشاورزان چنین وضعی نداشتند. به هر حال، کشاورزی اگر تنها عامل اسکان نبوده به یقین نقش تعیین کننده‌ای در پیدایش جوامع نخستین و سکونت انسان در مکان معین داشته است؛ و بعد «زندگی اسکان یافته، فرصتهایی برای خانه‌سازی بهتر پیش آورده و راه را برای معماری هموار» ساخته است. (چایلد ۱۳۵۲، ص ۱۵۱).

این موضوع، در جای دیگر، به زبان ساده و شاعرانه‌ای بیان شده است که: «در نخستین مراحل تکامل انسان هر درخت به منزله خوابگاه و پناهگاهی برای گذراندن شب و ایمنی از جانوران خطرناک بود. در مرحله شکار، انسان از سایر جانوران چندان بیمی نداشت، ولی از دشمن دیگری سخت می ترسید و می کوشید تا خود را از آن مصون دارد. این دشمن جدید سرما بود. می بایست انسان پناهگاه استواری در برابر سرما بیابد و برای خود خانه بسازد» (ایلین و سگال ۱۳۵۱، ص ۹۷).

اگر همین دو عامل، یعنی کشاورزی و سرما، را هر چند به زمانهای دور مربوط می شوند، دلیل خانه‌سازی و اسکان انسانها بدانیم، درباره مسکن اشکور بالا نیاز به ارائه دلایل دیگر نداریم! اما نکته اینجاست که در پژوهشهای انجام شده درباره مسکن مناطق جلگه‌ای و کوهستانی شمال ایران، به مسکن اشکور اشاره‌ای نشده و نیز حاصل آن پژوهشها، در بسیاری موارد، مشابهتی با مسکن اشکور بالا نداشته است. برای مثال، در اشاره به ویژگیهای انواع مسکن در این مناطق از «حیاط محصور» سخن به میان آمده است (بازن و ... ۱۳۶۵، ص ۷۵ به بعد؛ برومبژه ۱۳۷۰، در بسیاری از صفحات)، در حالی که خانه‌های اشکور بالا دارای حیاط - آن هم محصور - نیست و از جهات دیگر هم، از جمله نوع مصالح و شکل بام، مشابهتی با مسکنی که نام برده‌اند، ندارد.

در این قبیل پژوهشها - معمولاً - به مناطق جلگه‌ای و جنگلی پرداخته‌اند و درباره مسکن مناطق کوهستانی به نقل اطلاعات شفاهی جلگه‌نشینان اکتفا کرده‌اند؛ در حالی که مسکن مناطق کوهستانی، هم در مازندران و هم در گیلان، با مسکن مناطق جلگه‌ای و جنگلی مشابهت چندانی ندارد و گاهی کاملاً متمایز است.

مساکن مناطق کوهستانی شمال ایران، به ظاهر، مشابهت‌هایی دارند که شاید بتوان دو عامل را، به ویژه، در این مشابهت‌ها سهیم دانست: (۱) نوع معیشت که در سراسر کوهستان مبتنی بر دامداری و کشاورزی است و (۲) شرایط اقلیمی که زمستانهای سرد و طولانی خانه‌ها را به هم نزدیک کرده و فشردگی مسکن را سبب شده است. این موضوع را می‌توان در بیش از صد کیلومتر منطقه کوهستانی، یعنی روستاهای عمارلو در غرب تا روستاهای اشکور بالا در شرق تعمیم داد. روستاهای رودبار الموت و طالقان هم، که در جنوب این منطقه قرار دارند، از این قاعده مستثنی نیستند. با این همه وجوه تمایز هم کم نیست؛ برای اینکه اوضاع جوی و آب و هوایی هر یک از این منطقه‌ها و در دسترس بودن مصالح برای ساختن خانه‌ها را هم نمی‌توان از نظر دور داشت. در میان مناطق کوهستانی البرز غربی شاید اشکور بالا، مخصوصاً از نظر اقلیمی، دارای شرایط ویژه‌ای است، از این رو این مقاله را به مسکن این دهستان اختصاص می‌دهیم.



اشکور بالا یا اشکور تنکابن دهستانی است کوهستانی از بخش حومه شهرستان رامسر، شامل روستاهای "سپارده" "sepârde"، "یازن" "yâzen"، "نارنه" "nârne"، "لج" "laj"، "میج" "mij"، "آکنه" "âkene"، "کلایه" "kelâye"، "افی" "efi"، "نداک" "nedâk"، "تمل" "tomol" و "کیت" "keyt". اغلب این روستاها دارای مسجد، آسیاب و آبدنگ هستند و همین طور مغازه‌ای برای رفع نیازهای اهالی و مدرسه‌ای. سه روستا دارای امام‌زاده‌اند و یک روستا دارای حمام و درمانگاه است.

چون نحوه ساختمان بناهایی که نام بردیم چندان تفاوتی با خانه‌های مسکونی ندارد، از این رو درباره آنها به تفصیل سخن نمی‌گوییم و تنها اشاره می‌کنیم که مسجد گذشته از اینکه مکانی است برای برگزاری مراسم مذهبی، در عین حال مکانی است برای حل و فصل اختلافهای جمعی و یا تصمیم‌گیری درباره مسائل و مشکلات مربوط به روستا.



آنچه در این مقاله آمده حاصل پژوهشی است که قبل از انقلاب انجام شده است. در مسکن روستاهای اشکور بالا بعدها، تا آنجا که می‌دانم، تغییراتی صورت گرفته است که آن تغییرات، البته، چندان چشمگیر نیست؛ از جمله کاربرد شیروانی در برخی خانه‌ها به جای بام تخت و گاهی در نظر گرفتن پنجره‌های کوچکی با شیشه و ... به ندرت ساختن خانه‌ای با مصالح شهری و کمی دورتر از روستا، لابد به سبب احداث جاده. اما بافت کلی روستاها تغییر چندانی نکرده است.

۱. ساخت و نمای بیرونی

الف. مصالح

در اشکور بالا خانه را با مصالح آماده‌ای که طبیعت در اختیار ساکنان آنجا می‌گذارد، می‌سازند. برای ساختن خانه از سنگهای متمایل به سیاه و نسبتاً صاف و مناسب برای چیدن دیوار و هم از سنگهای سفید هموار استفاده می‌کنند. سنگ سیاه در قسمت شمالی دهستان (خورته *xorte*) فراوان است و سنگ سفید در قسمت جنوبی (نسام *nosâm*). سنگها را در "سوه *save*" (سبد) می‌ریزند و به دوش می‌گیرند و یا بار قاطر می‌کنند و به ده می‌آورند. همین که سنگ به اندازه کافی تهیه شد، "کاه گل" یا "ملاط *melât*" را آماده می‌کنند و بنا شروع به کار می‌کند.

بنا کشاورزی است که بیش از دیگران در چیدن دیوار مهارت دارد، هم از این رو بنایی در اشکور بالا یک شغل محسوب نمی‌شود. به هنگام چیدن دیوار هم نقشه‌ای در کار نیست بلکه بنا به درخواست صاحب خانه و هم با همفکری با او تعداد اتاقها و نحوه قرار گرفتن هر اتاق را با علامت‌گذاری مشخص می‌کند و به کار می‌پردازد. هنگام خانه‌سازی افراد خانوار "وردست" بنا هستند و به ندرت کارگری را با پرداخت مزد به یاری می‌خوانند.

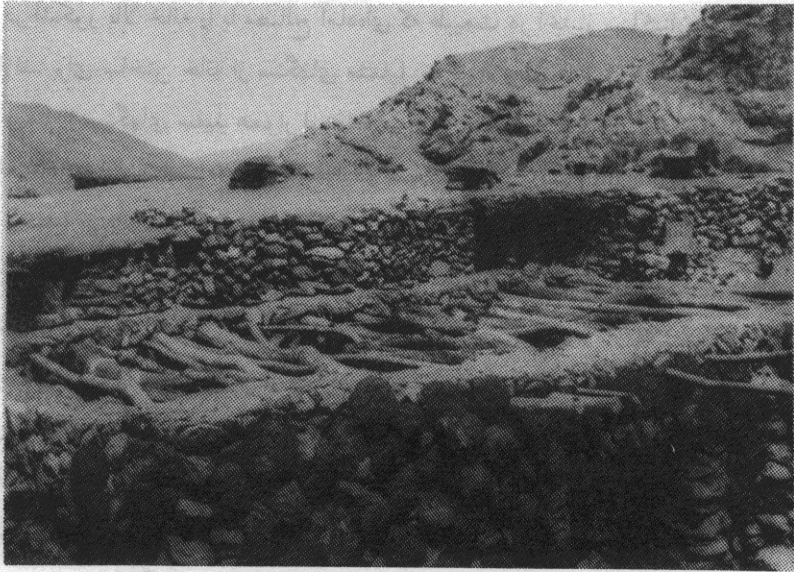
ب. خانه از پی تا سقف

برای ساختن خانه، پس از در نظر گرفتن زمین، نخست به عنوان "بن آوی *benâvi*" حدود نیم متر پی می‌کنند و این پی را با سنگهای صاف، بزرگتر از سنگهایی که برای چیدن دیوار به کار می‌برند، بدون "ملاط" در دو ردیف می‌چینند و در ردیفهای بعدی در فاصله هر ردیف "ملاط" می‌ریزند و دیوار را دو متر تا دو متر و نیم بالا می‌آورند.

هنگام چیدن دیوار دو تا شش "تاق *tâg*" (تاقچه) برای هر اتاق در نظر می‌گیرند و همین طور یک در و گاهی یک یا دو پنجره.

چیدن دیوار که به پایان رسید، در طول سقف یک "تیر" قرار می‌دهند و در عرض سقف، به صورت افقی، ۱۵ تا ۲۰ "دار". (تصویر شماره ۱) روی "دار"ها "لیار *liâr*" (تراشه‌های درخت) می‌ریزند و روی "لیار" بوته "وشور *vošor*". روی "وشور" ملاط می‌ریزند و روی "ملاط" خاک. نگاه برای جلوگیری از "چکه" کردن، "کوگل *ko'gel*" روی بام می‌ریزند و بام را لگد می‌کنند تا

"کوگل" کاملاً به بام بچسبند. "کوگل" که چسبنده است و مخلوط با سنگهای ریز و کلوخ، مانع چگه کردن بام می شود و در مقابل برف و باران مقاوم است، اما حمل این گِل، که مقدار زیادی از آن مورد نیاز است، از یک یا دو نفر بر نمی آید؛ هم از این رو بسیاری از مردان ده کمک می کنند و با "سوه" (سبد) از این گِل می آورند و روی بام می ریزند و به سرعت کار را به پایان می برند.



تصویر شماره ۱

باری، در حاشیه بام، سنگهای تراشیده و صافی قرار می دهند که "نیاس" *niyās* نامیده می شود و بعد روی "نیاس" ملاط می ریزند به گونه ای که حاشیه نسبت به قسمتهای دیگر حدود بیست سانتی متر بالاتر قرار می گیرد.

برای اینکه آب باران و برف روی بام جمع نشود، ناودانی از حلب یا چوب در گوشه ای تعبیه می کنند که "نوش کوش" *noš koš* نامیده می شود، هر چند "نوش کوش" اغلب زیر فشار برف در زمستان خم می شود و گاهی می شکند.

جز اینها، برای روشنایی، سوراخی در سقف در نظر می گیرند به نام "لوجن" *lujen* که در زمستان، برای اینکه سرما به داخل اتاق نفوذ نکند، آن را با "پیته" *pite* (لحاف کهنه، نمد یا گونی) می بندند.

در پشت بامها چند نوع "لوجن" به چشم می خورد: الف) سفالین، که معمولاً از دهانه دوشان *dušan* (ظرف بزرگ کره گیری در مرتع) برای این منظور استفاده کرده اند؛ ب) سنگ و

گلی، که به شکل اتاقکی است با سه دیوارک از سنگ و گل به طول تقریبی ۴۰ سانتی‌متر، که روی آن را مثل بام خانه‌ها پوشانده و یک سمت آن را برای تابش نور باز گذاشته‌اند. در قسمت باز برخی از این روزنها دریچه‌ای هست که در فصل زمستان آن را می‌بندند؛ (تصویر شماره ۲) و پ) حلی، که برای ساختن آن از پیت‌های حلی بیست لیتری مخصوص حمل نفت استفاده کرده‌اند.

چنین می‌نماید که نوع سفالین ابتدایی‌ترین است و بعد سنگ و گلی، که اخیراً حلی جانشین آن دو شده است.

به هر حال، جز سقف تعداد اندکی از خانه‌ها و همین طور سقف امام‌زاده‌ها و مسجدها که شیروانی است، معمولاً سقف خانه‌های مسکونی اشکور بالا تخت است.



تصویر شماره ۲

پ. بناهای دیگر

۱. "پلاپچان pelâpacân" (آشپزخانه؟)، که معمولاً دارای یک تا سه "کله kale" (اجاق گلی) است برای غذا پختن و همین طور روزنه‌ای در دیوار. ساختمان "پلاپچان" نظم خاصی ندارد بلکه منوط به فضای جلو خانه و نیز سلیقه و وضع مالی صاحب خانه است. هم از این رو ویژگیهای سه نوع از آنها را در اینجا می‌آوریم:

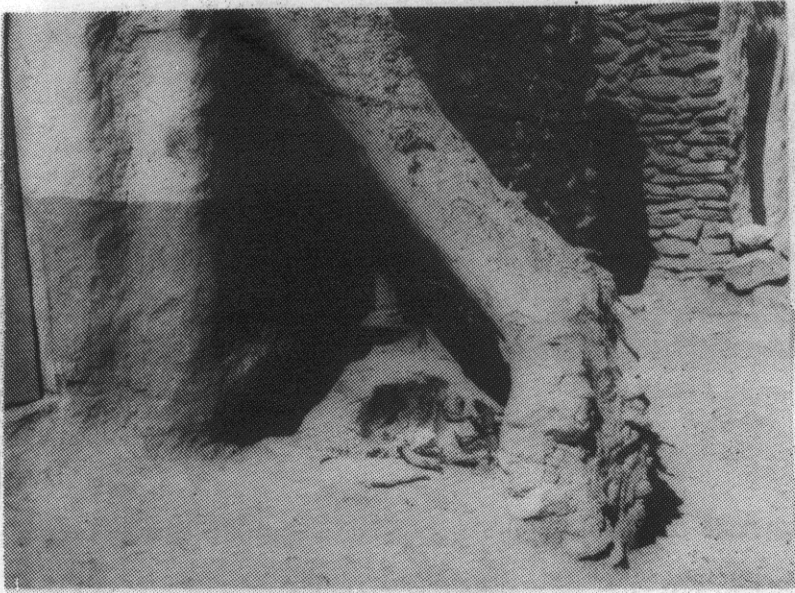
نوع اول، که شاید ابتدایی‌ترین باشد، فضایی است به مساحت ۱/۵ تا ۲ متر با شکل

نامنظم که به جای دیوار از پایه‌های چوبی شکل گرفته است و فاصله پایه‌ها را حلب کوبیده‌اند. پوشش بام این نوع، از بوته‌ها و شاخه‌های خشک است. در آن از جنس "لش" (بافته شده از ساقه‌های بید) است.

نوع دوم، که حدود نیم متر سنگچین کرده‌اند و دیواری کوتاه چیده‌اند. در این نوع که شکل منظمی ندارد و فضایی به مساحت ۲ متر را دربر می‌گیرد، نیمی بی‌دیوار و باز است و نیمی مسدود. در این نوع یک اجاق گلی، در داخل سکوی کوتاهی، کار گذاشته‌اند و پوشش سقف آن هم از شاخه‌های درخت و گاهی از حلب است.

نوع سوم، در این نوع که دایره‌ای شکل است دری در نظر نگرفته‌اند. دیوارها را با سنگ و گل چیده‌اند و سقف را، مثل خانه‌های مسکونی، با "تیر" و "دار" به صورت تخت به پایان برده‌اند (تصویر شماره ۳).

نوع چهارم، این نوع اتاقکی است با چهار دیوار و سقف کامل و دارای دری از جنس حلب یا چوب. البته از این نوع تعداد کمی به چشم می‌خورد و اکثر "پلاپجان"ها از نوع اول و دوم است.



تصویر شماره ۳

۲. "تندرسان" (tondorsân)، که اختصاص دارد به نان پختن، در همه خانه‌ها به صورت اتاق

چیدگانه‌ای نیست، بلکه از "تنور"ی که در داخل اتاق کار گذاشته شده است، استفاده می‌کنند. www.SID.ir

خانه‌هایی که "تندرسان" دارند، "تندرسان" شان معمولاً اتاقکی است چسبیده به خانه و دارای پنجره‌ای کوچک برای خارج شدن دود، که "تنور" در چاله‌ای کار گذاشته شده است.

۳. "کاه انبار" (انبار کاه)، متداولترین انباری که می‌سازند "کاه انبار" است. "کاه انبار" که دیوارهایش بلندتر از خانه‌های مسکونی است، دری بسیار کوتاه دارد و سوراخ بزرگی در پشت بام یا کنار دیوار. کوچکی و بزرگی "کاه انبار" به مقدار کاهی که صاحب آن دارد، مربوط می‌شود.

"کاه انبار" را، اغلب، در کنار خرمن جا می‌سازند تا پس از خرمن، کاه را به آسانی با پارو از سوراخ بام یا دیوار به داخل آن بریزند. اگر "کاه انبار" در فاصله‌ای دورتر از خرمن جا قرار گرفته باشد، کاه را با "ونده" *vende* (تور) یا "سوه" (سبد) حمل می‌کنند. وقتی که "کاه انبار" پر شد، سوراخ پشت بام یا دیوار را می‌بندند و برای برداشتن کاه از در ورودی استفاده می‌کنند.

۴. "جیگا" *jigā* (طویله). طویله نه شکل مشخصی دارد و نه جای معینی. گاهی "طویله" را دورتر از خانه مسکونی و در حاشیه ده، در یک ردیف، می‌سازند و گاهی در کنار خانه مسکونی. مصالح به کار رفته در "طویله" تفاوتی با مصالح خانه‌های مسکونی ندارد.

در طویله گوسفند آغلی به شکل "ناو" از سنگ و چوب در کنار دیوار ساخته‌اند و در طویله گاو به صورت نیم دایره، چسبیده به دیوار.

۵. "کرکه لونه" *kerke lone* (مرغدانی) را که مصالح آن از سنگ و گل و چوب است، اغلب در سه طبقه و به ارتفاع تقریبی یک متر، در داخل طویله، جایی که گوساله‌ها را نگهدارند، می‌سازند.

ت. حصار و دیوار و پاسداری از خانه

در خانه‌های اشکور بالا از حیاط خبری نیست و گاهی پشت بام خانه‌ای حیاط خانه دیگر است. چون حیاط نیست، نیازی به دیوار و حصار هم نیست و حفاظت از حریم خانه به عهده سگی است که پای دیوار لم داده است و ورود هر تازه واردی را اطلاع می‌دهد.

برای باغها، به ویژه باغهای اطراف ده، دیواری سنگچین و به ندرت با پایه‌های چوبی و یا سیم خاردار در نظر می‌گیرند تا حیوانات نتوانند وارد باغ شوند و به گیاهان آسیب برسانند.

ث. جلوگیری از چکه کردن بام

برای جلوگیری از چکه کردن بام، هنگامی که باران شدید می‌بارد و برف، از "بانکو" *bānku*

(تصویر شماره ۴)، چوبی که دسته آن منحنی و سر آن شبیه لنگه کفش است، استفاده می‌کنند یا از "بوم گاردن bom garden" که سنگی است استوانه‌ای شکل، با سوراخی در دو طرف نوک استوانه، که دو چوب سرکج (گاچ gâc) را در آن سوراخها قرار می‌دهند و بعد سنگ را روی بام می‌غلطانند.

اگر بام ترک داشته باشد با "ساجه sâje"، جارویی که از ساقهٔ بوته "وشور vošor" ساخته شده است، بام را جارو می‌کنند.

در زمستان برف را با "ماش خویه mâš xoye" یا "بوم ارون bom oron" که شبیه پاروست اما پهن‌تر و بزرگتر و از چوب و حلب ساخته شده است، می‌رویند. هنگامی که برف روی بام یخ می‌بندد با "خویه xoye" (پارو) بام را پاک می‌کنند، از این "پارو" برای پاک کردن طویلهٔ دامها نیز استفاده می‌شود.



تصویر شماره ۴

ج. تفاوت خانه‌های قدیم و جدید

خانه‌های قدیم بیشتر تودرتو بود و دارای "لوجن" و یک در. اگر در گذشته نور اتاقها - اغلب - از "لوجن" تأمین می‌شد، امروزگاهی برای هر اتاق یک یا دو پنجره در نظر می‌گیرند. پنجره‌ها، برای خاطر آب و هوای کوهستانی منطقه، کوچک است. همین‌طور جای درهای یک لنگهٔ قدیمی را، در برخی خانه‌ها، درهای دو لنگه گرفته است. شکل اتاقها، اما، تغییر چندانی

نکرده است.

چ. فشردگی و گسترگی مسکن

در اشکور بالا خانه‌ها به هم چسبیده است و بام خانه‌ای حیاط خانه دیگر است. خانه را معمولاً به سمتی می‌سازند که از توفان و سرمای زمستان در امان باشند، از این رو، بر حسب اتفاق، خانه‌ای رو به قبله قرار می‌گیرد یا رو به آفتاب.

کوچه (گلو golo)ها تنگ است و خانه‌ها به هم نزدیک (تصویر شماره ۵)، که می‌توان گاهی - به آسانی - از بامی به بام دیگر پرید. در زمستان که برف می‌بارد، کوچه‌ها و بامها - تقریباً - در یک سطح قرار می‌گیرند. به علت رفت و آمد دام، کوچه‌ها تمیز نیست و این اواخر تازه به صرافت افتاده‌اند که هنگام جارو کردن جلو خانه کوچه را هم تمیز کنند.



تصویر شماره ۵

روستاها از دور پلکانی به نظر می‌آیند که در دامنه تپه‌ها و کوهها افتاده‌اند و باغهای کوچکی سبزی، فندق و گاه مزارع یونجه و نهالستانهای بید و تبریزی در کنار و گوشه‌ها جا خوش کرده‌اند (تصویر شماره ۶).

نزدیکترین بنا به خانه مسکونی "پلاپچان" است و بعد "تندرسان" (اگر تندرسان جداگانه داشته باشند)، اما طویله‌ها گاهی دورتر است و همین طور "گاه انبار".

علوفه زمستانی دام را، که از علفزارها درو می‌کنند و به ده می‌آورند، در اطراف ده روی هم می‌چینند که "واش کو" (vâs ku) (کوه علف) نامیده می‌شود و غالباً ارتفاع "واش کو" بلندتر از خانه‌های روستاست، هم از این رو اواسط تابستان که علفهای درو کرده را جمع می‌کنند و به ده می‌آورند، روستاها با "واش کو"ها شکل تازه‌ای می‌یابند.



تصویر شماره ۶

۲. زندگی در فضای درونی

الف. افرادی که در یک خانه زندگی می‌کنند

در گذشته پسرانی که ازدواج می‌کردند، در خانه پدری می‌ماندند و گاهی چند پسر با همسر و فرزند با پدر و مادر کنار یک سفره می‌نشستند و مسائل و مشکلات همدیگر را تحمل یا حل و فصل می‌کردند. این موضوع حتی امتیاز هم محسوب می‌شد، چراکه هر یک از افراد می‌توانست وظیفه‌ای را در کار کشاورزی یا دامداری به عهده گیرد تا خانوار نیازمند دیگران نشود. آن نوع زندگی، البته، مشکلاتی هم داشت و گاهی سبب اختلافها و کدورت‌های شدید خانوادگی می‌شد. اما سالهاست که دیگر پسر پس از ازدواج در خانه پدر نمی‌ماند، بلکه برای خود خانه‌ای جداگانه می‌سازد، یا پدر یک یا دو اتاق از خانه خود را به پسر می‌دهد تا او در همسایگی پدر و مادر، اما

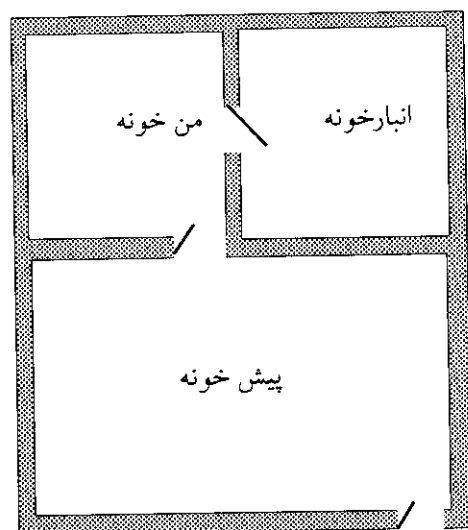
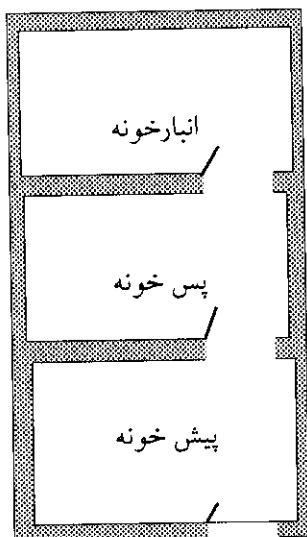
بجداگانه و مستقل، زندگی کند. *SID*

به هنگام مشخص کردن ارث پدر نه تنها اتاقها بلکه اثاثیه خانه را هم تقسیم می‌کنند. در این تقسیم معمولاً به دختر یا دختران چیزی نمی‌رسد و پسران هم طبق موازین شرع و عرف از ارث سهم نمی‌برند، ممکن است به یکی سهم بیشتری تعلق گیرد و به یکی کمتر.

ب. تحرک و جابه‌جایی در داخل خانه

در روستاهای اشکور بالا اکثر خانه‌ها یا سه اتاق تودرتو هستند و یا دو اتاق آنها در قسمت عقب قرار گرفته است و یک ایوان در جلو: الف) ایوان یا "پیش خونه" *piš xone*، اتاقی است در قسمت جلو که در تابستان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در فصل زمستان در این اتاق سوخت (گون و هیزم) می‌چینند؛ ب) "پس خونه" *pas xone*، اتاقی است بعد از ایوان که "من خونه" *men xone* نیز نامیده می‌شود و مخصوص اقامت در زمستان است. در این اتاق چاله تنور هست برای کرسی گذاشتن؛ و پ) "انبار خونه"، اتاقی است پشت "پس خونه" که مخصوص نگهداری آذوقه و مواد خوراکی است. (طرح شماره ۱).

در اشکور بالا، خانه دو طبقه به ندرت به چشم می‌خورد. یک یا دو اتاق در طبقه دوم خانه برای پذیرایی از مهمان در فصل تابستان است که خانوار نیز به آنجا نقل مکان می‌کند، و در فصل زمستان برای چیدن کندوهای زنبور عسل و گاه علوفه به کار می‌رود.



برخی خانه‌ها ایوانکی دارند با دیواری کوتاه تا حریم خانه مشخص شود و گاهی حدود یک متر از قسمت بالای دیوار را حلب می‌کوبند تا کف ایوانک از باد و باران مصون ماند. برخی خانه‌ها سکویی جلو خانه ساخته‌اند که در هوای خوش گاهی برای نوشیدن چای و رفع خستگی در آنجا می‌نشینند، در حالی که بیشتر ایوانها تنها جای کندن پای‌افزار است و برای نشستن نامناسب.

خانه‌هایی که در گودی قرار گرفته‌اند و خانه‌هایی که دو طبقه‌اند، دارای پله‌های سنگ و گلی هستند. از این پله‌ها گاهی در کوچه‌ها نیز به چشم می‌خورند که به پشت بام ختم می‌شود. به نظافت پله‌های بیرونی مثل داخل خانه توجه دارند و هر چند گاه یکبار آن را "گل کار gel kâr" (گل مالی) می‌کنند.

پ. اثاثیه خانه

در خانه‌های اشکور بالا معمولاً انباری هست ساخته شده از چوب به شکل اتاقکی، برای نگهداری گندم، جو، ارزن و احياناً برنج. از "دوشان dušan" (نوعی ظرف سفالی بسیار بزرگ) برای نگهداری برنج و کسانی که وضع بهتری دارند برای نگهداری کره استفاده می‌کنند و از "کالا kalâ" (نوعی ظرف سفالی کوچکتر از دوشان) برای نگهداری حبوبات.

"دس اسیو" "das asyo" (آسیاب دستی)، دیگ، سه پایه، آبکش، "کلیز kaliz" (ملاقه چوبی)، "کترا katerâ" (کفگیر چوبی)، تله موش، تنگ سفالی، "گوله gole" (کوزه)، چراغ گردسوز نفتی، "دس چراغ" "das cerâg" (چراغ موشی)، رختخواب (پتو، لحاف، بالش، لحاف کرسی)، "کتل katel" (چهارپایه چوبی)، "دس توربه" "das turbe" (توربه)، صندوق، مجمعه، نمد، "تلیک talik" (نوعی نمد)، گلیم، جاجیم، "کچه kace" (قاشق چوبی)، "چر car" (چرخ نخریسی)، "چل دوک cel duk" (دوک نخریسی)، "کوته لان kotciân" (وسیله‌ای برای رسیدن موی بز)، "شانی میک šanimik" (شانه، برای آماده کردن و حلاجی پشم)، بشقاب مسی و چینی، تاس مسی و لعابی، تشت مسی و آهنی، "هبون habon" (انبان)، "نمکار nemekâr" (وسیله‌ای برای ساییدن سیر و سبزی و نمک و ...)، "کادج kâdej" (وسیله‌ای برای ساییدن کشک)، پیاله‌های سفالی برای تهیه "خام تو xâmtu" (خامه)، سه لنگه (سه پایه فلزی)، که به جای اجاق از آن استفاده می‌شود و ... از وسایلی است که در بسیاری از خانه‌ها هست. البته جای این وسایل را همواره وسایل دیگری می‌گیرد و وسیله قبلی کنار گذاشته می‌شود.

۳. تزیینات

الف. آنچه به دیوارها می‌آویزند

آنچه به دیوارها می‌آویزند اغلب مربوط می‌شود به نوع معیشت صاحبان خانه‌ها. اگر صاحب خانه کشاورز باشد معمولاً وسایل کشاورزی از قبیل "ونده" (تور حمل کاه)، طناب و ... اگر دامدار باشد وسایلی که به دامداری مربوط می‌شود از قبیل پوست دباغی شده، موی بز، پشم و ...

در برخی خانه‌ها هنگامی که عروس به خانه می‌آورند، مقداری از جهیزیه عروس از قبیل بشقاب و لحاف و فرش را روی تاقچه یا کنار دیوار می‌گذارند تا جلو چشم باشد و دیگران هم ببینند.

ب. در نمای بیرون و درون خانه

روکار دیوار بیرونی "ملاط" است. روی ملاط "دس گل کار" *das gel kâr* می‌کنند، یعنی گل مالی ساده. بعد گل سفید را در حلبی می‌ریزند و آب به آن می‌افزایند و با جارو آن را روی گل مالی ساده می‌مالند. پس از آن با کهنه (پیتته *pite*) نیمی از دیوار را گل سرخ می‌مالند. دیوار به دو رنگ درمی‌آید: قسمت بالا به رنگ سفید و قسمت پایین به رنگ قرمز.

روکار دیوار درونی را با گل سرخ نقش و نگار (لاچ و لنگر *lâc-o-langar*) می‌اندازند، آنگاه روی تاقچه‌ها بشقاب، لیوان، سماور، پیاله‌های سفالی و چراغ نفتی می‌چینند. یک نوع گل صحرايي به نام "لیرو" *lêro* را هم می‌چینند و دسته می‌کنند و به دیوار می‌آویزند. گاه پنجه دست را با گل به دیوار نقش می‌کنند.

۴. کارکردها

الف. استفاده از دیوارها و بامها

دیوارها و بامها در اشکور بالا نقش ویژه‌ای دارند. دیوارهای بیرونی خانه و طویله برای چسباندن تاپاله گاو (سرن *saren*) است، که پس از خشک شدن به مصرف سوخت می‌رسد و بامها: الف) برای خشک کردن گندم و جو و ارزن شسته قبل از بردن به آسیاب و آبدنگ؛ ب)

برای خوابیدن در شبهای تابستان؛ پ) برای ملاقات و دیدارهای روزانه که به ویژه غروب دمان در پشت بام جمع می‌شوند و از محصول و دام و علف و دیگر مشکلاتشان می‌گویند؛ ت) برای خواباندن بچه، که معمولاً دختر کوچک خانوار خواهر یا برادر خود را برکول سوار می‌کند و در پشت بام از این سو به آن سو می‌برد تا بخواباند؛ ث) برای بازیهای کودکان؛ ج) برای پشم‌ریسی و تاب دادن ریسمان و بافتن "تنگ" قاطر و الاغ و کارهایی از این دست که نیاز به فضای وسیع دارد.

گاهی بامها نقشهای مهمتری دارند که مقدمه خرید و فروش دام، طرح و صلت با خانواده‌ای و نیز قرار و مدار فردای کار و یا همکاری در درو علفزار و نظایر آن از برخوردهای پشت بامها شروع و بعد به اتاق کشیده می‌شود. چون در اشکور بالا برای به پایان بردن بام و به اصطلاح "سر کردن خانه" همیاری و تعاون هست، شاید بتوان گفت این همیاری بعدها با جمع شدن در پشت بام و مشکل خود را حل کردن معنای تازه‌ای می‌یابد.

نتیجه

۱. در روستاهای اشکور بالا خانه فقیر و غنی تنها از جهت تعداد اتاقها از هم متمایز می شود، نه از جهت نمای ظاهر یا نوع مصالح. البته فقیر و غنی فاصله چندانی از هم ندارند، تنها چند تن که دام و زمین زیرکشت بیشتری دارند، تعداد اتاقهای خانه هاشان هم بیشتر است.

۲. خانه مکانی است برای تبادل نظر و آرا، که به ویژه در شب نشینی های پاییز و زمستان تجربه های سالخوردگان به جوانترها منتقل و کدورتها با پادرمیانی پا به سن نهاده ها برطرف می شود.

۳. تأثیر نوع معیشت در فضای خانه ها محسوس است. چون مبنای معیشت در اشکور بالا کشاورزی و دامداری است، از این رو، به هر خانه ای که آمی وارد می شود، به آسانی درمی یابد که صاحب خانه چه شغلی دارد، برای اینکه ابزارها و وسایل مربوط به شغل صاحب خانه در همه جا به چشم می خورد، و گاهی حتی نمدر جمع کرده اند تا از کف اتاق برای چیدن کوزه های ماست و ظرفهای کره گیری یا کیسه های گندم که قرار است به آسیاب برده شود، استفاده کنند.

۴. همیاری و تعاون که در درو علفزار و مزرعه و ... دیده می شود در خانه سازی هم رخ می نماید. این همیاری در اشکور بالا هنگام "سر کردن خانه"، که کاری جمعی است و از یک یا دو نفر ساخته نیست، به نحو بارزی رواج دارد و از آن استقبال می شود.

۵. در خانه های اشکور بالا که معمولاً اتاقها تودرتو هستند، با توجه به تغییر فصل، نوعی جابه جایی صورت می گیرد. وقتی که هوا سرد می شود خانوار به آخرین اتاق و وقتی که هوا گرم می شود، به اولین اتاق نقل مکان می کند. از این رو از هر اتاق در هر فصل به نحوی استفاده می شود، مثلاً اتاقی که در فصل سرد برای سکونت است، در فصل گرم "انباری" است یا برعکس.

۶. با "گل کار" (گل مالی) اتاقها و پله ها و همین طور تزیین دیوارنما با گل سرخ و سفید، هم بر زیبایی خانه می افزایند و هم به بهداشت آن توجه می کنند.

۷. هماهنگی ویژه ای در مسکن اشکور بالا به چشم می خورد: نه تنها مصالح خانه و طویله و انبار و مرغدانی از هم متمایز نیست، بلکه از جهت ظاهر هم به هم شباهت دارد و نیز فضای زاید یا تزیینی در مسکن دیده نمی شود، چرا که حتی از دیوار و بام و ایوان و ... استفاده می کنند و نقش آنها کمتر از اتاقهای مسکونی نیست.

مآخذ

- ایلین، م و ی، سگال (۱۳۵۱) چگونه انسان غول شد، ترجمه آذر آریان پور، چاپ سوم، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
- سادات اشکوری، کاظم (۱۳۷۲)، خانه‌ام ابری ست (پژوهشی در مسکن روستایی شمال ایران)، انتشارات نگاه، تهران، (در دست انتشار).
- برومبوزه، کریستیان (۱۳۷۰)، مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان، ترجمه علاءالدین گوشه‌گیر، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی با همکاری استانداری گیلان، تهران.
- چایلد، گوردون (۱۳۵۲)، انسان خود را می‌سازد، ترجمه احمد کریمی حکاک و محمدعلی اتائی، شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران.
- بازن، مارسل و کریستیان برومبوزه با همکاری اصغر عسکری خانقاه و اصغر کریمی (۱۳۶۶)، گیلان و آذربایجان شرقی (نقشه‌ها و اسناد مردم‌شناسی)، ترجمه مظفر امین فرشچیان، انتشارات توس، تهران.